

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۹ جنوری ۲۰۲۰

ادبیات «زور» و «تجاوز» در حکومت اسلامی و جواب نیروهای مخالف و مردمی و انقلابی!

یک عنصر جانی و متجاوز حکومت اسلامی در تلویزیون خطاب به خانم رخشان بنی اعتماد، چنین می گوید: «توهین زنده اخیر یک «کارشناس» به رخشان بنی اعتماد و دعوت دیگری از دگراندیشان برای ترک ایران و هم زمان شاهد ریزش «رسانه حکومت اسلامی» هستیم.

چند روز پیش محمد صادق کوشکی، فعال اصول گرا در برنامه جهان آرا که از شبکه افق پخش می شود با اشاره به فراخوان تجمع رخشان بنی اعتماد برای بزرگداشت قربانیان هواپیمای اوکراینی، گفت: «۵۰ نیروی سپاه در مرزهای شرق کشور هدف ترور قرار گرفته اند، خانمی که فراخوان می دهی، اگر آن بچه های سپاه در مرز نبودند، دست امثال عبدالمالک ریگی به تو و دخترت می رسید. شاید هم خوست می آمد شاید دوست داشتی...»

مرضیه برومند، عکسی از خود و رخشان بنی اعتماد را در اینستاگرام منتشر کرد و نوشت: «آقای صادق کوشکی، ما مردم ایران، سال هاست توسط برادرانهای وقیح و بیماری چون شما مورد انواع شکنجه و آزار روحی و روانی قرار گرفته ایم، در برابر امثال شما داعش رویش سفید است!»

فروردین ماه امسال، پخش مستندی با عنوان «شجریان از سپیده تا فریاد» از شبکه افق با واکنش گسترده در شبکه های اجتماعی رو به رو و از نوع نگاه صدا و سیما به استاد آواز ایران انتقاد شد.

گروهی از کاربران هم شبکه افق را که بخشی از برنامه هایش را سازمان هنری رسانه ای اوج تولید می کند، «تلویزیون سپاه پاسداران ایران» می دانند. اوج، موسسه تولیدات رسانه ای وابسته به سپاه پاسداران ایران است.



این سخنان کثیف، اخیراً از یکی از شبکه های صدا و سیما خطاب به رخشان بنی اعتماد کارگردان و فرزندش باران کوثری بازیگر سینمای ایران پخش شد. گوینده، محمد صادق کوشکی یک استاد نزدیک به حکومت بود که با دعوت خانم بنی اعتماد برای بزرگداشت عمومی جان باختگان سقوط هواپیمای اوکراینی را - که با فشار وزارت اطلاعات لغو هم شده بود - مخالف است.

استفاده از استعاره «تجاوز جنسی» در رسانه های رسمی برای حمله به منتقدان سیاست های حکومت ایران، اتفاق جدیدی نیست و ماهیت چهل و یک ساله حکومت اسلامی را به نمایش و قضاوت افکار عمومی می گذارد.

برای نمونه در مهر ۹۵، ابوالفضل قناعی مدیرعامل سابق «موسسه سازندگی شهید همت قرارگاه خاتم الانبیا» و عضو سابق هیات رئیسه شورای شهر تهران، گفت خبرنگاری که در مورد واگذاری غیرقانونی املاک به تعدادی از اعضای شورای شهر افشاگری کرده، باید «یک هفته خواهرش دست داعش باشد تا بفهمد».

در چنین فضائی، طبیعتاً فعالان زنی که متهم به مخالفت با سپاه شده اند به میزانی مضاعف در معرض توهین های جنسی قرار گرفته اند. تا آن جا که حتی دعوت یکی از معروف ترین کارگردان های سینمای ایران برای بزرگداشت جان باختگان هواپیمای اوکراینی، به هم سوئی با دشمنان سپاه تعبیر شده و این کارگردان، در تلویزیون هدف توهین صریح جنسی قرار گرفته است.

در آذر ۹۵ نیز حسین الله کرم رئیس شورای هماهنگی حزب الله، یک روزنامه نگار زندانی را به ارتباط جنسی با «پنج» وزیر متهم کرد و طبیعتاً شکایت وکیل آن زندانی هم بی نتیجه ماند.

فراتر از آن، تعدادی از زندانیان دهه های گذشته، روایت های تکان دهنده ای را از تهدیدها و ادبیات جنسی تکان دهنده نیروهای امنیتی و بازجویان نقل کرده اند و برخی از زندانیان نیز جرات شکایت از مأموران را یافته اند. اما این شکایت ها مطلقاً به جانی نرسیده است.

نمونه دیگر خبرساز، سخنرانی مهر ۸۸ سعید قاسمی از چهره های نزدیک به سپاه در دانشگاه امام صادق بود که خطاب به معترضان خیابانی گفت: «عزیزم، پسر، دخترم، لجاجت نکن، و الا می ری اون جا (بازداشتگاه)، بعد یا می برندت سونا - جکوزی و این ها، یا این که نمی دونم اون کارهایی که، خدا نکنه اون کارهایی که آقای کروبلی گفتن (شده باشد)... ولیکن یک اتفاقاتی می افته».



او در میانه خنده های ابلهانه هم فکانش افزود: «می برندت اون جا و این ها، بعد از بیست روزه رب و روبت را اعتراف می کنی عزیزم ها...»

«قربانیان تجاوز علیه السلام نبودند.»

استفاده از ادبیات تجاوز، محدود به عرصه سیاسی نبوده و در عرصه اجتماعی، کاربرد به مراتب وسیع تری داشته است. در اردیبهشت ۹۳، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه استدلالی جنجالی را منتشر کرد که حکایت داشت مدافعان شخصی بودن حق پوشش برای زنان، باید «حق التذاد» بدون اجازه مردان از آن‌ها را نیز به رسمیت بشناسند و «تجاوز» تلقی نکنند. مطابق این استدلال، نتیجه به رسمیت شناختن «حق عریانی برای زن» آن است که چون «لحاظ فطری و خلقت مرد به سوی زیبایی‌های زن میل پیدا می‌کند و علاقه مند به ایجاد رابطه جنسی است، پس حق دارد از چیزی که از آن خوشش می‌آید بهره ببرد.»

نوشته خبرگزاری تسنیم، به فاصله چند روز از انتشار پیشنهاد جنجالی یک وبلاگ هم سو منتشر می‌شد که تاکید داشت بهتر است «جرم تعرض و مزاحمت به زنان بدحجاب را از مزاحمت به زنان محجبه جدا کرد» و برای تعرض به «زنان بدحجاب و بی حجاب به دلیل مشارکت آن زن در ایجاد این جرم، تخفیف و عفو فراهم نمود.»

مرور صفحات حوادث روزنامه‌های ایران نشان می‌دهد که این ادبیات لمپنیسم حکومت اسلامی، چه تخریبیاتی به جامعه ایران زده است. برای مثال، ۲۶ آذر ماه امسال، جوانی که پس از تجاوز جنسی به زنی «هفتاد ساله»، برای دفاع از خود گفت «آن خانم وضعیت ظاهری نامناسبی داشت و لباس نامناسبی پوشیده بود»، تا اظهارات یکی از دستگیر شدگان ماجرای معروف تجاوز دسته جمعی به خانم‌های حاضر در یک مهمانی خانوادگی در خمینی شهر در خرداد ۹۰، که تاکید داشت «وضعیت» قربانیان از عوامل تجاوز به آن‌ها بوده.

در همان زمان، حسین حسین زاده رئیس وقت پولیس آگاهی استان اصفهان گفته بود: «اگر در این حادثه خانم‌ها حد اقل حجاب را... عایت کرده بودند، شاید مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گرفتند»، و موسی سالمی امام جمعه وقت خمینی شهر تا به آن جا پیش رفت که اعلام کرد قربانیان تجاوز «آدم‌های علیه‌السلامی نبوده‌اند.»

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، مطلبی را منتشر کرده بود که تاکید داشت بر اساس همان منطقی که شخصی بودن حق پوشش برای زنان ایران به رسمیت شناخته می‌شود، می‌توان «حق التذاد» بدون اجازه مردان از آن‌ها نیز به رسمیت شناخت و «تجاوز» تلقی نکرد.

مطابق این نوشته، به رسمیت شناختن «حق عریانی برای زن»، بر «منطق سست غربی» استوار است و بر مبنای همین منطق می‌توان گفت چون به «لحاظ فطری و خلقت مرد به سوی زیبایی‌های زن میل پیدا می‌کند و علاقه مند به ایجاد رابطه جنسی است، پس حق دارد از چیزی که از آن خوشش می‌آید بهره ببرد.»

نوشته خبرگزاری تسنیم، به فاصله چند روز از انتشار پیشنهاد جنجالی یک وبلاگ اصول‌گرا منتشر شده که بر مبنای بخشی از آن بهتر است «جرم تعرض و مزاحمت به زنان بدحجاب را از مزاحمت به زنان محجبه جدا کرد» و برای تعرض به «زنان بدحجاب و بی حجاب به دلیل مشارکت آن زن در ایجاد این جرم، تخفیف و عفو فراهم نمود.»

مقصر دانستن یا تحقیر آن گروه از قربانیان تجاوز که پوشش مورد نظر حکومت سلامی را ندارند، در ادبیات گروهی از آن‌ها موضوع تازه‌ای نیست.

گذشته از آن که تهدید تلویحی زنان «بدحجاب» به تجاوز، در راستای همین رویکرد باشد یا نه، به نظر می‌رسد که پذیرفتن مسؤلیت انتشار آن در یک خبرگزاری رسمی - به خودی خود - تصمیم مهمی است.

یکی از خبرسازترین نمونه‌های این نگاه، اظهارات یکی از فعالان رسانه‌ای جبهه‌پایداری بود که در دی ماه ۱۳۹۱، با مقصر دانستن رفتارهای «تحریک‌آمیز» در وقوع تجاوزهای جنسی نوشت: «بدپوششی، تجاوز دختران به آرامش روانی مردان است»، و افزود: «نمی‌توان فضا را پر از تحریک و تنش کرد و آن وقت انتظار داشت هیچ کس خطا نکند.»

اشاره به موضوع تجاوز به عنوان «مجازات»، در مواردی دیگری نیز در ادبیات رسانه های حکومتی خبرساز شده که برخی از آن ها، حتی بازتاب جهانی پیدا کرده است. به عنوان نمونه، در شهریور ۹۲، یکی از مسؤولان محلی دولت سابق، در مطلبی نوشت اگر باراک اوباما دستور حمله نظامی به سوریه را بدهد، «در خاک امریکا و دیگر نقاط جهان هستند حرام زاده هائی که به راحتی می توانند به ساشا (دختر اوباما) تجاوز کنند. فقط کافی است با آنان دوست شد و ارتباط برقرار کرد که شده.»



نمونه ای از پوسترهائی که علیه «بدحجابی» در ایران تهیه و توزیع شده است

ابوالفضل قناعتی عضو هیات رئیسه شورای شهر تهران، در صحبت هائی که فایل صوتی آن ها در مهر ماه ۹۵، منتشر شده گفته خبرنگاری که در مورد واگذاری غیرقانونی املاک به تعدادی از اعضای شورای شهر افشاگری کرده، باید «یک هفته خواهرش دست داعش باشد تا بفهمد». اظهارات او، با واکنش گسترده رسانه هائی مواجه شده که آقای قناعتی را به خاطر «توهین جنسی» به یاشار سلطانی، خبرنگار افشاگر، مورد انتقاد قرار داده اند.

اما ابوالفضل قناعتی، حرف های دیگری هم زده است که کم تر رسانه ای شده اند. او در دفاع از معصومه آباد عضو دیگر شورای شهر که به دریافت ملک خارج از ضوابط قانونی متهم شده، به سابقه اسارت آباد در زمان جنگ هشت ساله اشاره کرده و گفته: «آمده اند به یک آزاده و یک اسطوره تهمت زده اند. می دانید آزادگی چیست؟ کسی که این حرف ها را منتشر کرده یک هفته خواهرش دست داعش باشد تا بفهمد.»

نماینده خیرساز شورای شهر تهران، پس از آن در مصاحبه ای با خبرنگاری تسنیم، برای رفع اتهام از خود گفته که در مورد خواهر خبرنگار افشاگر حرف نزده، بلکه برای توضیح اهمیت کسانی که با دشمنان خارجی می جنگند گفته است: «آیا من و شما راضی می شویم که خواهر خودمان هم در اختیار داعش و دشمن قرار بگیرد؟»

اسدالله لاجوردی رئیس زندان اوین در سال های نخست حکومت اسلامی، خطاب به دختران می گفت: «فکر نکنید که شما رو باکره اعدام می کنیم.»

در برخی از موارد دیده شده بود که بعد از اعدام و با گذشت چند روز، پاسداری در خانه اعدامی را زده با گل و شیرینی ادعا کرده که دختر ایشان عقد کرده او بوده است.

طبق اسناد مانده از برخی اعدامیان مانند الهه دکنا در سال ۶۲ در شیراز روی لباس خود نوشته بود که به او تجاوز شده است.

در اسلام اعدام دختران باکره ممنوع است و و این بهانه ای ست برای تجاوز به دختران در زندان، و در هدفی بلند مدت نیز ایجاد فضای رعب و وحشت در میان دختران و خانواده های آن ها در صورت گرایش به فعالیت های سیاسی را دنبال می کردند.

صیغه قبل از اعدام، یکی از انواع شکنجه های جنسی به حساب می آید. زنان در زندان های ایران، مورد آزار و اذیت های مختلفی قرار می گیرند که اکثریت این شکنجه ها آزار جنسی می باشند و نمونه های زنده آن نیز گواه بر این ساختار ضدانسانی است.

شکنجه زنان تنها به توهین و تحقیر زبانی نبوده است بلکه آن ها تهدید هم می شدند و بسیاری از زنان ترس از تجاوز داشتند. شکنجه گران حکومت، همواره در اتاق های بازجویی و اعتراف گیری شان از تجاوز به مرد و زن هیچ ابائی نداشته اند و همواره مورد حمایت دیکتاتوری مذهبی نیز بوده اند. در زندان قزل حصار که یکی از بزرگ ترین زندان های ایران به شمار می آید زنان را وادار می کردند که روی به دیوار بایستند و با ضربه به وسط پای آن ها می زدند که بسیاری از زندانیان دچار خونریزی شدید می شدند. بسیاری از زنان یا باردار بودند یا فرزندان خردسال داشتند که مجبور به آوردن فرزندان خود به زندان می شدند. کتک زدن، شکنجه دادن مادران در مقابل کودکان باعث شکنجه های روانی و روحی، هم در مادر هم در فرزندان می شد. آن ها با محرومیت در پوشاک، غذا، ناتوانی در شیر دهی، یا حتی شیر خشک و بهداشت که کودکان خردسال را مبتلا به بیماری های طولانی می نمود هیچ حق اعتراضی را در مقابل نداشتند.

نگاه وحشیانه و غیرانسانی سران و مقامات حکومت اسلامی به قربانیان تجاوز جنسی، حتی در هنگام وقوع برخی موارد عملی و وقوع این جنایت نیز بازتاب رسانه ای داشته است. یک نمونه های جنجالی این رویکرد، اظهارات امام جمعه خمینی شهر در پی تجاوز دسته جمعی به چند زن در این شهر در خرداد ۱۳۹۰ بود که تاکید می کرد قربانیان، «آدم های علیه اسلامی نبوده اند.» در پی آن واقعه، اظهارات یکی از متهمان نیز خبری شد که تاکید داشت «وضعیت» قربانیان از عوامل تجاوز به آن ها بوده است.

از «آتش به اختیارها» گرفته تا بسیاری از کارکنان رسمی نهادهای امنیتی، هیچ گونه محدودیتی برای اجرای اعمال غیر انسانی خود ندارند. در حقیقت بخشی از کاربرد ادبیات تجاوز، نوعی «تصمیم و ادبیات رایج حکومتی» است. مجموعه سیاست ها و عملکردهای حکومت اسلامی به ویژه زن ستیزی، به میزانی در فضای عمومی ایران تاثیرگذار بوده که باعث شده تا مجموعه ای از چهره ها و رسانه های رسمی، در استفاده از ادبیات تجاوز، حتی از رسانه های غیررسمی هم بی پروا تر باشند.

هنرمندان و نویسندگان بخش مترقی و پیشرو و آگاه جامعه هستند. اکنون بخشی از سینماگران، گزارشگران و نویسندگان عرصه هنر و فرهنگ تلاش می کنند موضع خود را از نهادها وابسته به حکومت دروغ، ریا، تجاوز، سانسور و کشتار جدا کنند طبیعی ست که با استقبال طرفداران خود و افکار عمومی و نیروهای انقلابی رو به رو شوند حتی آن هائی که تا دیروز در نمایش انتخابات دروغین حکومت شرکت می کردند. البته باید تاکید کنم چنین تغییر بزرگی در میان فرهنگیان و هنرمندان و یا سایر اقشار جامعه ناشی از اوج گیری مبارات مردمی است که به ویژه از دی ماه ۱۳۹۶ آغاز شده و اکنون با فاصله کمی و با قدرت بیش تری در جریان است و روز به روز نیز قدرتمندتر و سراسری تر می گردد!

اکنون حتی بخش متوهم ترین شهروندان جامعه ایران نیز متوجه شده اند که باید از کلیت این حکومت عبور کرد و تجربه تاکنون چه و یک ساله نشان داده است که اصلاح و انتخابات در چارچوب این حکومت، هرگز نمی توانند جلو ماشین کشتار این حکومت هار و آدم کش را بگیرند بنابراین، راه حل نهائی مردم انقلاب است و اکنون این شعار و نابودی حکومت اسلامی ایران نه در خارج کشور توسط نیروهای اپوزیسیون، بلکه توسط دانشجویان در دانشگاه و مردم انقلابی در خبابان ها سر داده می شود. از این نظر جامعه ایران با جامعه دو ماه پیش متفاوت است.

اکنون پس از گذشت حدود هشت هفته از کشتار آبان ماه و دو هفته پس از ماجرای به هلاکت رسیدن پاسدار قاسم سلیمانی و جنایت سرنگون ساختن هواپیمای اوکراینی توسط پدافند هوایی سپاه پاسداران حکومت اسلامی و انکار آن و دروغ گوئی، سرانجام علی خامنه ای برای نخستین بار در هشت سال گذشته در نماز جمعه ۲۷ دی ماه ظاهر شد. برای این نماز جمعه ۴ روز پیاپی تبلیغ رسانه ای به ویژه صدا و سیما کردند، مترو را مجانی و با اتوبوس از شهرهای اطراف نیز نیرو به مصلی تهران منتقل کردند. همین بسیج نیرو خود به اندازه کافی گویای این واقعیت است که خامنه ای نیازمند نمایش هواداران خود بود.

این مراسم از چند روز قبل توسط نهادهای مختلف حکومت، سازماندهی شده بود و تعدادی از عوامل حکومتی را برای نمایش و شعار دادن در حین سخنان او آماده کرده و به صحنه نمایش چندی آورده بودند. خامنه ای در خطبه غضب آلود و هیستریک و لرزان خود که ناشی از وحشت و نگرانی از سرنوشت آینده حاکمیت شان بود، به سخنرانی پرداخت. سخنرانی او، اشکارا نشان داد که موضع در مانده ای دارد. همه تلاش او این بود که صرفا به نیروهای سرکوبگر و طرفدار حکومت خود دل داری دهد به طوری که او مردم ایران را دو دسته کرد و گفت آن هائی که در خیابان ها تظاهرات می کنند و تصاویر قاسم سلیمانی را پاره می کنند ایرانی نیستند و به نوعی تاکید کرد که ایرانیان، بسیجی و سپاه و حزب الله و به طور کلی طرفداران حکومت اسلامی هستند. این هم اقرار بزرگی از سوی رهبر حکومت اسلامی است!

خامنه ای در این خطبه های نماز جمعه خود، باز هم نه تنها به عنوان فرمانده کل قوا، به دلیل سرنگون کردن هواپیمای مسافربری و کشتن همه سرنشینان آن، عذرخواهی نکرد، بلکه از سپاه پاسداران و به ویژه سپاه قدس قدردانی کرد. یعنی از عاملان سرنگونی هواپیما و کشتار همه سرنشینان آن! شکی نیست که ما در روزهای های آتی شاهد علنی شدن هر چه بیش تر دروغ های خامنه ای و روحانی و سایر مقامات سیاسی و نظامی آن در رابطه با سرنگون کردن آگاهانه و عمدانه این هواپیما!

درماندگی در سخنان خامنه ای آن جا اشکارتر شد که او آیاتی از قرآن را خواند که در «نهایت شدت (فشار) بر پیامبر و تنهائی و بی کسی» او نازل شده بود. کمی بعد مثالی از حاج قاسم سلیمانی زد و از حضورش «در حلقه محاصره ۳۶۰ درجه ای دشمن» گفت و پرسید: «کدام فرمانده می توانست کارهائی را که او کرد انجام دهد؟» اعلام این «تنهائی و محاصره»، راز اصلی آمدنش به نماز جمعه پس از ۸ سال بود و بقیه خطبه، مرور رویاهائی بود برای نجات از این «تنهائی و محاصره»؛ کاری که بقیه دیکتاتورها هم در پایان راه شان به زبان می آورند. نهایتا سخنان خامنه ای، اما برای هواداران هم تکراری بود و دل گرمی تازه ای برای آن ها به وجود نیاورد!

در همین حال مراسم تشییع قربانیان این فاجعه دردناک در برخی شهرهای ایران به اعتراضات ضد حکومتی تبدیل شد و مردم خشمگین علیه خامنه ای و حکومتش شعار دادند.

شرکت کنندگان در این مراسم ها از جمله شعارهائی چون «خامنه ای قاتله، ولایتش باطله»، «بسیجی سپاهی، داعش ما شمائی»، «دشمن ما همین جاست، دروغ می گن امریکاست»، «نخبه هامون رو کشتن، آخوند به جاش گذاشتن» و «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر الدنگو ستایش کنیم» و... سر می دادند.

هم چنین تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که مردم عزادار پرچم حکومت اسلامی را از روی پیکر جان باختگان کنار می کشند.

همسر یکی از قربانیان در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «... خدا رو شکر نداشتیم تو قطعه شهدا دفنت کنند. تو شهیدی اما نه شهیدی که اینا می گن، شهید راهی هستی که کاملا برعکس راه این ظالمین و جاهلین است...»

وقتی حکومت با زبان تهدید، زور، چماق، گلوله، شکنجه، اعدام، ترور و دروغ با مردم سخن می گوید، آن هم نه یک روز و یک ماه و یک سال، بلکه ۴۱ سال، نتیجه اش همین فضای اعتراضی و خیزش ها مردمی و اعتصاب و اعتراض کارگر، بیکاران، دانشجویان، زنان، جوانان، هنرمندان، نویسندگان و سایر اقشار تحت ستم است که فریاد می زنند: حکومت اسلامی نابود باید گردد! و یا با تمام قدرت فریاد می زنند: «از بغداد تا تهران / شعار ما انقلاب»، «نه شاه می خواهیم نه پاسدار / مرگ بر این دو کفتار»، «سقف و گندم / قدرت به دست مردم»، مردم چرا نشستید / منجی، خود تو هستی و... در واقع این شعارها، جواب همه کسانی را در داخل و خارج از کشور می دهند که بر این عقیده اند این خیزش ها کور است و رهبری ندارد. اما همین شعارهای بالا، آشکارا نشان می دهند که خواست این نیروی انقلابی اداره جامعه به شکل شورائی و خودمدیریتی جمعی و دموکراسی مستقیم است. سخنانی که در سال های اخیر، اسماعیل بخشی این نماینده جوان و جسور کارگران شرکت هفته تپه مطرح کرده است! به نظر من، دختر جوان و عزیز ما «سپیده قلیان» از هر رهبری، رهبرتر و جسورتر است! اکنون در جامعه ما اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیان ها ده ها هزار نفری هستند و در این سال ها در مبارزه مستقیم و رویارویی مستقیم با آدم کشان حکومت اسلامی و زندان رفتن ها و بیرون آمدن ها، مانند فولاد، آب دیده شده اند و نیازی به هیچ آقا بالاسری سر ندارند!

مطلب را با نقل قولی از آیت الله خمینی، بینان گذار حکومت اسلامی، به پایان می برم.

در کتاب «تحریر الوسیله» نوشته خمینی آمده است:

کتاب نکاح مسأله ۱۲:

«کسی که زوجه ای کم تر از نه سال دارد وطی او برای وی جایز نیست چه این که زوجه دائمی باشد، و چه منقطع، و اما سایر کام گیری ها از قبیل لمس به شهوت و آغوش گرفتن و تفخیز اشکال ندارد هر چند شیرخواره باشد...»

تفخیز در اصطلاح فقهی، عبارت است از شهوت راندن مرد، ما بین دو ران زن، بدون ایجاد دخول. بنابر فتوای فقهای اسلام و شیعه از جمله خمینی تفخیز با کودک شیرخواره هم مجاز است.

اگر کودک تا قبل از نه سالگی مورد دخول قرار گیرد و افضاء نشود، فرد دخول کننده فقط دچار گناه شده و چیزی بر گردن او نیست.

افضاء عبارت است از یکی کردن مجرای حیض و غائط در اثر دخول.

چنان چه مرد به کودک زیر نه سال (حتی شیر خواره) طوری دخول کند که دچار افضاء شود باید دیه کامل زن (که نیمی از دیه مرد است) را بپردازد. چنان چه مرد دختر بالای نه سال را افضاء کند، دیه بر او واجب نیست.

شنبه بیست و هشتم دی ۱۳۹۸ - هجدهم جنوری ۲۰۲۰

ضمیمه ۱:

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران: ازین پس هیچ تعامل سازش برانگیزی میان ما و حکومت ممکن نخواهد بود! مطالبه امروز ما از آزادی و عدالت به حق ابتدائی زیستن فروکشیده شده است. در چهل سال اخیر جنایاتی که به قیمت بقای یک رژیم تمامیت خواه بر اقوام و اقشار و اصناف و در یک کلام صاحبان واقعی این مرز و بوم رفته، برای ما هیچ گاه پوشیده نبوده و نمانده است.

پس از کشتار آبان ۹۸ و کشتار بی شرمانه مردمانمان در پی سرنگونی هواپیمای پرواز ۷۵۲، نقطه عطف ماجرا آن بود که این وقایع در ابتدا با دروغ و قبحانه و تهدید کسانی که واقعیت ماجرا را گوشزد می کردند کتمان و سپس با ورود

قدرت های خارج از کشور منجر به افشای حقیقت گشت و این افشا در نهایت به صداقتی کاذب از جانب حکومت بدل شد. صداقتی که در دل آن دروغ های بیش تری نهفته است.

در همین بحبوحه، امروز بسیج دانشجویی دانشگاه تهران به نمایندگی از همان نظام بر طبل صداقت دروغین می کوبد و جریان موسوم به نام بی مسمای اصلاحات پس از تجربه شکست ۷۶ در ۷۸ و ۹۶ در ۹۸، همچنان در پی سودجویی از مطالبات ابتدائی مردم و انحراف موج اعتراضات راستین آنان از ساحل نجات شان است.

سیل سیستان و بلوچستان و در پی آن جان باختن هم وطنانی که هیچ چیز جز تبعیض قومی و مذهبی و بومی در این وطن نصیب شان نشده، بر دروغین بودن عذرخواهی حاکمیت بابت کشتار سرنشینان هواپیمای اوکراینی صحه می گذارد.

همه این وقایع در زمانی رخ می دهد که ما همچنان سوگوار سرکوب و کشتار بی سابقه آبان ۹۸ و نگران وضعیت هم کلاسی های در بندمان هستیم.

آن چه تا بدین جا شرح دادیم گواه آن است که حکومت علیه مردم و فرزندان دانشجوی ایشان اعلام جنگ کرده و ازین پس هیچ تعامل سازش برانگیزی میان ما و آنان ممکن نخواهد بود.

امروز ما گرد هم آمده ایم تا ضمن مرزبندی با جریان حاکم و اپوزیسیون نماهای داخل و خارج کشور که همواره در راستای انحراف اعتراضات مردم فعالیت می کنند، برای ایجاد همبستگی واقعی و ایجاد فضای تعامل میان دانشجویان تلاش کنیم. هم سنگران عزیز! سلاح اصلی ما گفتگو برای راه یابی به سوی آینده است. بنابراین از فردا در لابی و حیاط تک تک دانشکده ها حلقه های مباحثه تشکیل خواهیم داد.

سه شنبه ۲۴ دی ماه ۹۸

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران

این بیانیه روز سه شنبه در تجمع دانشجویان دانشگاه تهران خوانده شد.

ضمیمه ۲:

سپیده قلیان: همه اش که نباید ترسید، راه که بیفتیم ترس مان می ریزد!

چهارشنبه ۱۵ جنوری ۲۰۲۰

پخش اعترافات اجباری تلویزیونی، به عنوان یک ابزار تهدید، فشار و سرکوب، یک سنت امنیتی چهل ساله در نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است. همواره و پس از هر اعتراض، تجمع یا رخدادی، تعدادی بازجو - خبرنگار به خط می شوند تا نامستندی در توجیه واقعه بسازند. این نامستندها که احتمالاً شاخص ترین نمونه آن، «مستند هویت» در توجیه قتل های زنجیره ای قبل و بعد از ۱۳۷۵ بوده است، همیشه بخشی از آنتن صدا و سیما را به خود اختصاص داده است.

هر چند ظاهراً، آن چنان که در قضیه دروغ بزرگ سقوط هواپیمای اوکراینی، موکدا ثابت شد، این نه فقط متهمان و محکومان و زندانیان سیاسی، که مسؤولین حکومت هم می توانند سوژه نامستندها باشند!

بخش عمده ما، شاید تصور کنیم که تمام مردم ایران، این شانتاژهای خبری را نادیده می گیرند و از روی آن ها عبور می کنند. اما متأسفانه چنین نیست. تکرار و تکرار و تکرار، در دروغگوئی های امنیتی، می توانند عوامل پروپاگاندا و جنگ روانی ای باشند که در دراز مدت، به شکلی حقیقی، به باورهای بدنه ی مردم معترض و جان به لب آمده آسیب بزنند. به ویژه برای کسانی که در شهرهای کوچکتر زندگی می کنند، این نامستندها می توانند زندگی را تلخ و مختل کنند.

اما دیگر دوران برنامه هویت گذشته است. این تنها نهادهای امنیتی نیستند که می‌توانند تریبون داشته باشند و یک‌طرفه حرف بزنند. تمام قربانیان اعترافات اجباری امکان، حق و حتی وظیفه دارند در مورد این نامستندها سکوت نکنند. این ابزار سرکوب و فشار و تهدید، باید ناکارآمد و مختل شود.

من، به سهم خودم، قدم اول را با شکایت از آمنة سادات ذبیح‌پور و صدا و سیما و مدیر بخش خبری بیسا و سی برداشتم. شکایتی نه از سر اعتماد به قوه قضائیه، یا امید به رسیدگی، بلکه از موضع برداشتن یک قدم رسمی برای اخلاص در بازی خطرناک بازجو-خبرنگارها. اما این تنها قدم اول است و آخر کار نیست.

بار دیگر از همه‌ی آنان که به هر نحو از نامستندهای نهادهای امنیتی آسیب دیده‌اند و قربانی این سرکوب‌ظاهرا با کلاس هستند، می‌خواهم حرف بزنند. بگویند که چه شد و چگونه شد. از آنچه که پشت دوربین گذشته است حرف بزنند و دیوار دروغ را فرو بریزند. این سد را باید شکست. «همه‌اش که نباید ترسید. راه که بیفتیم ترسمان می‌ریزد.»